

تحلیلی بر ضوابط، آثار و کارآمدی نفع قابل بیمه در نظام

حقوقی ایران

حسین صبحی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۱

محمود باقری^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۱۳

چکیده

در نظام حقوقی ایران، نفع قابل بیمه یکی از شرایط اساسی صحت قرارداد بیمه است که نوشتگان قابل توجهی در خصوص آن وجود ندارد؛ به همین دلیل این مقاله که با رویکرد تطبیقی، به رشنه تحریر درآمده است، در حد امکان کوشیده است تا الزامات قانونی ناظر به نفع قابل بیمه را بررسی و ضمن آن به سنجش کارآمدی همین الزامات نیز اقدام کند. از این رو، از یک سو ضوابط احراز نفع قابل بیمه در بیمه‌های اشخاص و از سوی دیگر مفهوم نفع قابل بیمه در بیمه‌های خسارت مورد بررسی قرار گرفته است؛ همچنین با توجه به ارتباط نفع قابل بیمه و نظم عمومی، ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه با نظر به مواد ۱۲ و ۲۳ قانون بیمه ایران مورد بحث قرار گرفته است. علاوه بر اینها با توجه به فلسفه تقنین نفع قابل بیمه، کارآمدی این دکتین در کاهش ریسک مخاطره اخلاقی مورد اشاره قرار گرفته است. در پایان از اهم نتایج این پژوهش، می‌توان به مطلوبیت اجتماعی معیار رضایت بیمه‌شده در بیمه‌های عمر، اسقاط‌پذیری نفع قابل بیمه در بیمه‌های مسئولیت و عدم کارآمدی کافی دکتین نفع قابل بیمه در مواجهه با ریسک مخاطره اخلاقی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: حسن نیت، رضایت بیمه‌شده، سوء نیت، مخاطره اخلاقی، نظم عمومی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده

مسئول)، hossein.sobhi@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران،

mahmood31@hotmail.com

۱. مقدمه

همان‌طور که قانون‌گذار در ماده ۱۹۰ قانون مدنی، شرایط چهارگانه‌ای را تحت عنوان شرایط اساسی صحت معامله ذکر کرده است؛ قرارداد بیمه نیز به‌نوبه خود، علاوه بر شرایط مذکور، دارای شرایط اختصاصی منحصر به خود است که از آن جمله می‌توان به لزوم وجود نفع قابل بیمه اشاره کرد که ماده (۴) قانون بیمه -۱۳۱۶- در مقام تقنین آن برآمده است. به طور کلی نفع قابل بیمه بیانگر آن است که شخص بیمه‌گذار بایستی از بقای موضوع عقد بیمه صاحب منفعت یا از فقدان یا آسیب آن متحمل ضرر شود. در بیمه‌های عمر در صورتی بیمه‌گذار از فقدان یا آسیب‌ورده به شخص بیمه‌شده متحمل ضرر می‌شود که یا دارای یک رابطه عاطفی با شخص مذکور باشد و یا دارای یک رابطه اقتصادی با شخص بیمه‌شده باشد به‌گونه‌ای که فوت یا ورود آسیب جسمانی به شخص بیمه‌شده، سبب ورود خسارت اقتصادی به بیمه‌گذار شود.

در بیمه‌های اموال نیز وجود رابطه حقوقی چون مالکیت میان شخص بیمه‌گذار و مال موضوع عقد بیمه باعث می‌شود که بیمه‌گذار از تلف یا نقصان مال موضوع عقد بیمه متضرر شود. از این رو فلسفه تقنین این دکتین آن است که عقد بیمه از قمار متمایز شود و قرارداد بیمه وسیله‌ای برای کسب منفعت و تحصیل سود قرار نگیرد. همچنین ضرورت دیگری که ضرورت تقنین نفع قابل بیمه را توجیه می‌کند؛ مسئله جلوگیری و کاهش ریسک «مخاطره اخلاقی» است تا با کاهش این ریسک از درگیر شدن بیمه‌گذار در وضعیتهای مخاطره‌آمیز که با هدف تحصیل منفعت صورت می‌گیرد؛ جلوگیری شود. از این رو با توجه به ارتباط میان دکتین نفع قابل بیمه و نظم عمومی، قانون‌گذاران از یک سو استانداردهایی را برای احراز نفع قابل بیمه تعیین می‌کنند و از سوی دیگر ضمانت‌اجراهایی را برای قراردادهایی که بدون نفع قابل بیمه منعقد می‌شوند تعیین می‌کنند؛ اما ورای الزاماتی که قانون‌گذار برای احراز نفع قابل بیمه و ضمانت اجرای فقدان آن تعیین می‌کند؛ یکی از مباحث حائز اهمیت مسئله

کارآمدی نفع قابل بیمه در جلوگیری یا کاهش ریسک مخاطره اخلاقی است که بایستی به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به توضیحات فوق پرسشهای اساسی این مقاله آن است که اولاً چه ضوابط و استانداردهایی برای احراز نفع قابل بیمه وجود دارد؟ ثانیاً ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه در قرارداد چیست؟ و ثالثاً اینکه آیا دکتترین نفع قابل بیمه از کارآمدی کافی برای جلوگیری و یا کاهش ریسک «مخاطره اخلاقی» برخوردار است؟

این مقاله در سه بخش سازماندهی شده است. در بخش اول به ضوابط و استانداردهای حاکم بر احراز نفع قابل بیمه پرداخته می‌شود. در بخش دوم ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه در قرارداد بررسی می‌شود و در بخش سوم کارآمدی دکتترین نفع قابل بیمه در جلوگیری و یا کاهش ریسک مخاطره اخلاقی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲. ضوابط حاکم بر احراز نفع قابل بیمه

۲-۱. ضوابط حاکم بر احراز نفع قابل بیمه در بیمه‌های اشخاص

همان‌طور که مقنن در بسیاری از مقررات، تمایل به برقراری تمایز میان احکام حاکم بر بیمه‌های زندگی از غیرزندگی داشته است؛ در خصوص نحوه اعمال معیار نفع قابل بیمه نیز اقدام به تفکیک بیمه‌های خسارت از بیمه‌های اشخاص کرده است. به‌گونه‌ای که در ماده (۴) قانون بیمه - ۱۳۱۶- وجود داشتن نفع قابل بیمه توسط بیمه‌گذار را در بیمه‌های اموال و مسئولیت ضروری می‌داند. لیکن در ماده (۲۳) قانون بیمه - ۱۳۱۶- همین قانون که نوبت به انشای قواعد حاکم بر بیمه‌های اشخاص می‌رسد؛ صحبت از معیار دیگری به نام رضایت بیمه‌شده می‌رسد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا مقنن اقدام به جایگزینی رضایت بیمه‌شده به جای نفع قابل بیمه کرده است؟ باور نگارنده بر این است که در اینجا رضایت بیمه‌شده، طریقت دارد و نه موضوعیت؛ به عبارت دیگر رضایت بیمه‌شده طریقی است که به واسطه آن نفع قابل بیمه را احراز می‌کنیم. در واقع قانون‌گذار ایران به جای آنکه مطابق بند (۲) ماده (۲)

پیش‌نویس لایحه نفع قابل بیمه بریتانیا - ۲۰۱۶ - «ضرر اقتصادی» را مبنای احراز نفع قابل بیمه قرار دهد؛ رضایت بیمه‌شده را تنها راه احراز نفع بیمه‌شده می‌داند.^۱ موضوعی که از عبارات نظریه مشورتی کمیته ۱۷ نفره حقوق بیمه کانون وکلای لندن قابل استنباط است.^۲

البته به معیار رضایت بیمه‌شده انتقاداتی وارد شده است که از میزان مطلوبیت اجتماعی آن می‌کاهد؛ از جمله اینکه باعث تحمیل هزینه‌های اداری به بیمه‌گذار می‌شود و افزون بر آن در روابط تجاری میان افراد نیز غیرعملیاتی است؛ برای مثال بانک یا بستانکاران تمایل دارند که حیات وام‌گیرندگان یا بدهکاران را بیمه کنند یا کارفرمایان تمایل دارند که با اخذ پوششهای بیمه‌ای «COLI^۳» یا «EOLI^۴»، از خود در برابر پیامدهای مالی ناشی از مرگ کارکنان کلیدی محافظت کنند (Atmeh, 2011)؛ و حال آنکه امکان اخذ رضایت از یک جماعت امری غیرمعقول و غیرممکن است.

در پاسخ بایستی گفته شود که اگر چه ایراد اول به ماده (۲۳) وارد است؛ لیکن در خصوص ایراد دوم بایستی اقدام به تفکیک میان بیمه‌های عمر انفرادی از گروهی کرد؛ چه آنکه قانون‌گذار در ماده (۲۳) اقدام به تفکیک بیمه‌های عمر انفرادی از «بیمه‌های عمر گروهی»^۵ کرده و معیار رضایت بیمه‌شده را صرفاً در بیمه‌های انفرادی جاری کرده است و در نتیجه امکان اخذ بیمه‌های عمر گروهی چون COLI یا EOLI بدون اخذ رضایت بیمه‌شده وجود دارد؛ اما در خصوص بیمه‌های عمر انفرادی که از روابط تجاری افراد ناشی می‌شود - مانند رابطه طلبکار و بدهکار - این ایراد پذیرفتنی است و

۱. برای دیدن نظر مخالف، رک: ایزنلو محسن (۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی ضمانت اجرای فقدان نفع قابل

بیمه در حقوق ایران، ص ۸۴ و ۸۵.

2. The City of London Law Society, Insurance Committee Law, 2008
3. Corporate-Owned Life Insurance
4. Employer-Owned Life Insurance
5. Group Life Insurance

احتمال دارد که بدهکار از اعطای اجازه به طلبکار برای انعقاد بیمه عمر بر روی حیاتش خودداری کند.

با این حال به نظر می‌رسد که باز هم معیار رضایت بیمه‌شده از مطلوبیت اجتماعی برخوردار است؛ چه آنکه اولاً تحمیل هزینه اداری در ازای کاهش ریسک مخاطره اخلاقی صورت می‌گیرد و به طور قطع احتمال وقوع ریسک مخاطره اخلاقی در ضابطه فوق کمتر از ضابطه روابط عاطفی است به این دلیل که استاندارد رضایت بیمه‌شده امری عینی و تفسیرناپذیر بوده و حال آنکه استاندارد روابط عاطفی موضوعی تفسیرپذیر است مگر اینکه توسط قانون‌گذار احصا شود و به‌علاوه در معیار رضایت بیمه‌شده، وی می‌تواند با عدول از رضایت خویش عقد بیمه را باطل سازد و حال آنکه در فرض ابتدای نفع قابل بیمه بر روابط عاطفی یا ضرر اقتصادی، با توجه به عدم موضوعیت رضایت شخص بیمه‌شده، صرف احراز رابطه عاطفی یا اقتصادی در هنگام وقوع عقد بیمه، برای صحت آن کفایت می‌کند. ثانیاً طلبکار می‌تواند برای کسب اطمینان از وصول مطالبات خویش به جای انعقاد بیمه عمر بر روی حیات بدهکار، اقدام به اخذ وثیقه از مدیون بکند؛ چه آنکه عقد رهن بر وفق ماده (۷۸۷) قانون مدنی نسبت به رهن (بدهکار) لازم بوده و به‌علاوه هزینه‌های کمتری را نیز به نسبت بیمه عمر به طلبکار تحمیل می‌کند.

۲-۲. مفهوم نفع قابل بیمه در بیمه‌های اموال

پرسشی که در خصوص بیمه‌های اموال پیش می‌آید آن است که آیا به غیر از شخص مالک عین اموال، می‌توان اشخاص دیگری را نیز واجد نفع قابل بیمه دانست؟ برای پاسخ به این سؤال بایستی بین فروض مختلف قائل به تفکیک شد؛ که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۲-۱-۲. مرتهن: در خصوص مرتهن تردیدی پیش نمی‌آید و نص ماده (۷) قانون بیمه - ۱۳۱۶- به صراحت وی را واجد نفع قابل بیمه می‌داند؛ بنابراین طلبکار می‌تواند اقدام به اخذ پوشش بیمه‌ای برای عین معینی کند که در نزد وی برای طلبش به رهن

نهاده شده است. مبنای وجود نفع قابل بیمه برای مرتهن را می‌توان در حق عینی تبعی وی نسبت به عین مرهونه دانست؛ چه آنکه این حق سبب می‌شود که وی در بقای عین مرهونه ذی‌نفع باشد؛ منتها با نظر به حکومت اصل جبران خسارت بر بیمه‌های خسارت، میزان غرامت پرداختی به وی متناسب با میزان طلب وی است و چنانچه ارزش مال بیش از ارزش طلب وی باشد؛ مابه‌التفاوت ارزش طلب از مال، به صاحب مال تعلق خواهد گرفت. در نظام حقوقی بریتانیا نیز در خصوص مرتهن همین رویه اعمال شده است، در بند (۱) ماده (۱۴) قانون بیمه دریایی بریتانیا -۱۹۰۶- می‌خوانیم: «درجایی که موضوع عقد بیمه مال مرهونه است؛ راهن نسبت به ارزش کل مال و مرتهن نسبت به میزان طلب واجد نفع قابل بیمه هستند».

۲-۲-۲. مستأجر: مستأجر را نیز می‌توان به جهت مالکیت منافع عین واجد نفع قابل بیمه نسبت به عین مستأجره دانست؛ چه آنکه به سبب مالکیت بر منافع، وی خواهان بقای عین مستأجره است. از این رو وی نیز می‌تواند برای عین مستأجره اقدام به اخذ پوشش بیمه‌ای همچون بیمه آتش‌سوزی کند. لیکن در این فرض نیز به جهت حکومت اصل جبران خسارت، مستأجر مستحق دریافت غرامت به میزان ارزش خسارات وارده بر عین مستأجره نیست؛ بلکه مبنای دریافت غرامت وی، منافع ممکن‌الحصولی است که وی در مدت باقی‌مانده عقد اجاره مستحق آنهاست و حال به سبب وقوع حادثه موضوع بیمه از آن محروم گشته است. منافع ممکن‌الحصول بر طبق ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری -۱۳۹۲- که مقرر می‌کند منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف کند... (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵).

بنابراین تردیدی در استحقاق مستأجر نسبت به منافع ممکن‌الحصول مدت باقی‌مانده عقد اجاره پدید نمی‌آید؛ چه آنکه عقد اجاره اقتضای تحقق این منافع را فراهم آورده است. حال اگر مستأجر صرفاً منفعت خویش را بیمه کرده باشد؛ بیمه‌گر بایستی به میزان منافع فوت‌شده اقدام به پرداخت غرامت کند؛ لیکن اگر مستأجر اقدام به بیمه عین مستأجره کرده باشد و درواقع ارزش کل مال را بیمه کرده باشد؛ با نظر به

ملاک ماده (۷) قانون بیمه -۱۳۱۶-، خسارات افزون بر منافع ممکن‌الحصول مستأجر، به مالک عین تعلق خواهد گرفت. در لایحه نفع قابل بیمه بریتانیا -۲۰۱۶- نیز وفق جزء (ب) بند (۳) ماده (۳)، در صورتی که بیمه‌گذار نسبت به موضوع بیمه، حقی مبتنی بر قرارداد داشته باشد؛ در رابطه با آن، واجد نفع قابل بیمه است. مستأجر نیز بر پایه قرارداد اجاره، دارای حق عینی نسبت به عین مستأجره است. به‌علاوه جزء (۱) بخش (۲۸۲) قانون بیمه ایالت کالیفرنیا آمریکا -۱۹۳۵-، منفعت موجود را از مصادیق نفع قابل بیمه نسبت به اموال می‌داند؛ بنابراین مطابق قانون مذکور نیز مستأجر به جهت داشتن منفعت موجود و محقق‌شده چه در زمان انعقاد عقد و چه در زمان ورود خسارت، نسبت به عین مستأجره دارای نفع قابل بیمه است.

۲-۲-۳. مستعیر: مستعیر نیز به سبب داشتن حق انتفاع به مال عاریه، واجد نفع قابل بیمه نسبت به مال عاریه است؛ بنابراین مستعیر نیز می‌تواند برای مال عاریه پوشش بیمه‌ای اخذ کند؛ حال اگر مستعیر تنها حق انتفاع خویش را بیمه کرده باشد مبنای محاسبه پرداخت غرامت توسط بیمه‌گر، منافع ممکن‌الحصولی است که از طریق مدت باقی‌مانده عقد عاریه نصیب مستعیر می‌شد و وی به میزان منافع فوت‌شده مستحق دریافت خسارت بود. لیکن اگر مستعیر اقدام به اخذ پوشش بیمه‌ای برای مال موضوع عاریه کرده باشد؛ بیمه‌گر ملزم به پرداخت خسارت به میزان کل ارزش مال است و در این فرض در صورت فزونی گرفتن ارزش مال از منافع ممکن‌الحصول؛ با توجه به ملاک ارائه‌شده در ماده (۷) قانون بیمه -۱۳۱۶-، وجه مازاد به مالک عین تعلق می‌گیرد. در نظام حقوقی بریتانیا و کالیفرنیا نیز به مانند مستأجر، مستعیر را می‌توان به ترتیب به موجب جزء (ب) بند (۳) ماده (۳) لایحه نفع قابل بیمه -۲۰۱۶- و جزء (۱) بخش (۲۸۲) قانون بیمه -۱۹۳۵- واجد نفع قابل بیمه نسبت به مال مورد عاریه دانست.

۲-۲-۴. بایع (فروشنده): علی‌الاصول قبض مبیع و ثمن شرط صحت عقد بیع نیست و حتی اگر پس از وقوع عقد بیع، مبیع در تصرف بایع باقی مانده باشد؛ باز هم مشتری

مالک آن است. لیکن مواد (۳۸۷) و (۳۸۸) قانون مدنی ریسک تلف و نقصان مبیع، قبل از تسلیم به مشتری را، به بایع تخصیص داده‌اند. از یک سو مطابق ماده (۳۸۷) اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود، بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد شود؛ و از سوی دیگر وفق ماده (۳۸۸)، اگر قبل از تسلیم در مبیع نقصی حاصل شود، مشتری حق خواهد داشت که معامله را فسخ کند و بالتبع ثمن پرداختی را مسترد دارد. مشاهده می‌کنیم که در صورت تحقق این فروض گرچه بایع در نگهداری از مبیع تقصیر نکرده است؛ لیکن بایستی ثمن دریافتی را به مشتری مسترد کند و خود از این معامله نه‌تنها عایدی نداشته است بلکه به جهت تلف یا نقصان مبیع نسبت به وضعیت قبل از معامله، متحمل زیان نیز شده است و حال آنکه مشتری به دلیل مستردداشتن ثمن متحمل زیانی از این رهگذر نشده است؛ بنابراین بایع در حد فاصل وقوع عقد تا تسلیم مبیع، اگر چه مالک نیست لیکن به جهت تخصیص ریسک تلف و نقصان نسبت به بقای مبیع ذی‌نفع است و از این رو می‌تواند ضمن اخذ پوشش بیمه‌ای برای مبیع، خود را ذی‌نفع بیمه قرار دهد. لیکن در این خصوص بایستی به دو نکته توجه کرد؛ اول آنکه اگر حادثه موضوع بیمه بعد از تسلیم رخ دهد؛ دیگر بایع نمی‌تواند به بیمه‌گر برای دریافت غرامت مراجعه کند چرا که بعد از تسلیم، ریسک به خریدار منتقل شده و وی دیگر از وقوع حادثه متضرر نمی‌شود و در نتیجه فاقد نفع قابل بیمه در هنگام وقوع زیان است. مگر آنکه مورد از مصادیق قسمت دوم ماده (۴۵۳) قانون مدنی باشد که طی آن در صورتی که در عقد بیع، یکی از سه خیار مجلس، حیوان و شرط اختصاص به مشتری داشته باشد؛ ریسک تلف و نقصان حتی در بعد از تسلیم نیز تا مدت‌زمان اعتبار خیار به بایع تخصیص می‌یابد؛ و نکته دوم آنکه با نظر به حکومت اصل جبران خسارت در بیمه‌های خسارت، میزان غرامت پرداختی به بایع بر اساس ارزش ثمن (عوض مبیع) است و نه ارزش واقعی مبیع. چه آنکه بایع در صورت وقوع حادثه موضوع بیمه، ملزم به بازگرداندن ثمن بوده و به میزان بها یا مبلغ آن متحمل زیان می‌شود.

۲-۲-۵. متعهدله (ذی نفع) تعهد عینی: اصطلاح تعهد عینی برای نشان دادن وضع ویژه تعهدی است که باید از محل عین معین به جا آورده شود (کاتوزیان، ۱۳۸۹)؛ مانند قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران که طی آن کارفرما متعهد می‌شود که هزینه‌ها و حق‌الزحمهٔ پیمانکار را از محل نفت و گاز تولیدی میدان مستهلک کند. مطابق مادهٔ (۳) تصویب‌نامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران - ۱۳۹۵- و بند (پ) آن، منوط کردن بازپرداخت کلیهٔ هزینه‌های مستقیم، غیرمستقیم، هزینه‌های تأمین مالی و هزینه‌های بهره‌برداری و پرداخت دستمزد طبق قرارداد از طریق تخصیص بخشی ((به ترتیب مقرر در بند (پ) مادهٔ (۶) این تصویب‌نامه)) از محصولات اضافی میدان یا عواید حاصل از اجرای قرارداد بر پایهٔ قیمت روز فروش محصول؛ از اصول حاکم بر قراردادهای بالادستی ایران است. حال اگر شرکت ملی نفت ایران (کارفرما) متعهد شود که برای جبران مبالغ استحقاقی پیمانکار معادل آن به وی نفت بفروشد؛ در این صورت ثبت ذخایر در دفاتر پیمانکار به میزان استحقاق وی امکان‌پذیر است و وی دارای حق مالکیت نسبت به نفت تخصیص‌یافته به وی بوده و قادر به انجام معاملات آتی نیز است. در فرض دوم نیز، حتی اگر شرکت ملی نفت متعهد به فروش نفت، گاز یا میعانات گازی به پیمانکار نباشد؛ از آن جهت که می‌بایست بازپرداخت هزینه‌ها و دستمزد پیمانکار از محل عواید محصولات تولیدی میدان انجام شود؛ پیمانکار دارای حق عینی تبعی نسبت به محصول تولیدی از میدان است؛ بنابراین در هر دو فرض، پیمانکار واجد نفع قابل بیمه نسبت به محصولات تولیدی از میدان بوده و می‌تواند اقدام به اخذ پوشش بیمه‌ای «توقف در تولید» بکند و ریسک ناشی از توقف در تولید را بیمه کند. یادآوری این نکته لازم است که صرفاً پیمانکاران نفتی واجد چنین نفعی نبوده و پیمانکاران کلیهٔ قراردادهای صنعتی که هزینه‌ها و حق‌الزحمهٔ خود را از محل محصول تولیدی طرح مستهلک می‌کنند؛ نسبت به آن محصول تولیدی دارای حق عینی تبعی و به تبع آن نفع قابل بیمه هستند. علاوه بر پیمانکاران، تأمین‌کنندگان مالی این قسم از قراردادها نیز که

به شیوه پروژه محور اقدام به تأمین مالی طرح می‌کنند؛ می‌توانند در جایگاه متعهدله تعهد عینی قرار گرفته و نسبت به محصول تولیدی واجد نفع قابل بیمه باشند. چه آنکه این شیوه تأمین مالی مبتنی بر جریان نقدی آتی پروژه بوده (Campbell, 2000) و وام‌دهندگان برای دریافت اصل و سود وام اعطایی به درآمد حاصل از فروش محصولات طرح و دارایی‌های پروژه که به‌عنوان وثیقه محسوب می‌شوند؛ رجوع می‌کنند (Tan, 2007)؛ بنابراین تأمین‌کنندگان مالی نیز از توقف تولید متضرر می‌شوند و می‌توانند در صورت لزوم برای پوشش این ریسک، اقدام به اخذ پوشش بیمه‌ای کنند؛ بنابراین پیمانکاران و تأمین‌کنندگان مالی طرح‌های فوق‌الذکر در حدود مطالبات خویش مستحق جبران خسارت هستند. در نظام حقوقی بریتانیا نیز می‌توان پیمانکاران و تأمین‌کنندگان مالی چنین پروژه‌هایی را دارای نفع قابل بیمه دانست؛ چرا که وفق جزء (b) بند (۳) ماده (۳) لایحه نفع قابل بیمه -۲۰۱۶-، به موجب قرارداد پیمانکاری و موافقت‌نامه اعطای وام، دارای حق عینی تبعی نسبت به موضوع بیمه‌شده (محصول تولیدی) هستند. در نظام حقوقی ایالت کالیفرنیا نیز از یک سو مطابق جزء (۳) بخش (۲۸۲) قانون بیمه -۱۹۳۵-، منفعت محتمل که مقتضی پدیدآمدن آن حاصل شده است؛ جزو مصادیق نفع قابل بیمه نسبت به اموال دانسته شده است؛ و از سوی دیگر وفق مفهوم مخالف بخش (۲۸۳) قانون مذکور، در صورتی منفعت محتمل بیمه‌پذیر دانسته می‌شود که مبتنی بر حق عینی نسبت به اعیان یا قرارداد معتبر باشد. در فرض حاضر نیز پیمانکاران و تأمین‌کنندگان مالی بر اساس قرارداد پیمانکاری یا اعطای وام دارای حق عینی تبعی نسبت به محصول تولیدی بوده و در نتیجه می‌توانند منفعت ممکن‌الحصول خویش را بیمه کنند.

۲-۳. امکان اسقاط‌پذیری نفع قابل بیمه در بیمه‌های مسئولیت

آیا به‌واسطه توافق میان بیمه‌گذار و بیمه‌گر، امکان اسقاط نفع قابل بیمه وجود دارد؟ از آنجا که نفع قابل بیمه از یک سو جزو شرایط اساسی صحت معامله است و از سوی دیگر به جهت فلسفه تقنینی‌اش، در راستای حفاظت از منافع عمومی و اخلاق حسنه

است؛ مطابق ماده (۹۷۵) قانون مدنی، غیر قابل اسقاط است؛ بنابراین اصل بر عدم قابلیت اسقاط‌پذیری است؛ لیکن به نظر می‌رسد که بیمه‌های مسئولیت قادر به تخصیص این اصل باشد؛ توضیح آنکه در بیمه‌های اشخاص و اموال، فقدان نفع قابل بیمه به زیان حیات، تمامیت جسمانی و اموال موضوع عقد بیمه است و آنها را در معرض آسیب و تلف قرار داده و نظم عمومی جامعه را دچار خدشه می‌کند؛ چه آنکه در این فرض نفع بیمه‌گذار در آسیب و اتلاف آنهاست. لیکن در بیمه‌های مسئولیت، ذی‌نفع بیمه، بیمه‌گذار یا ذی‌نفع تعیین شده از جانب وی نبوده و در صورت وقوع حادثه موضوع بیمه، شخص زیان‌دیده مستحق دریافت خسارت به میزان وارد شده از بیمه‌گر است و وجهی به بیمه‌گذار پرداخت نمی‌شود؛ بنابراین عدم اعمال یا اسقاط دکترین نفع قابل بیمه در بیمه‌های مسئولیت، اقدامی در جهت حمایت از حقوق زیان‌دیده است. موضوعی که در تبصره (۲) ماده (۲) «قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه - ۱۳۹۵» مورد لحاظ قرار گرفته است؛ بر اساس این تبصره در صورتی که راننده وسیله نقلیه، شخصی غیر از دارنده آن باشد؛ باز هم خسارات وارده به اشخاص ثالث از محل بیمه‌نامه وسیله نقلیه پراخت می‌شود؛ و حال آنکه بیمه‌گذار (دارنده وسیله نقلیه)، نسبت به مسئولیت حقوقی غیر، فاقد نفع قابل بیمه است.

۲-۴. بررسی زمان لزوم وجود نفع قابل بیمه در قرارداد

یکی از پرسشهایی که در خصوص نفع قابل بیمه پیش می‌آید آن است که آیا لازم است بیمه‌گذار به طور هم‌زمان هم در هنگام انعقاد عقد و هم در هنگام وقوع زیان نسبت به موضوع بیمه، نفع قابل بیمه داشته باشد؟ یا صرف وجود آن در یکی از مواقع فوق کفایت می‌کند؟

در خصوص بیمه‌های خسارت، از یک سو قسمت اول ماده (۴) قانون بیمه - ۱۳۱۶ - که مقرر می‌کند «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی مشروط بر اینکه بیمه‌گذار نسبت به بقاء آنچه

بیمه می‌دهد ذی‌نفع باشد...»؛ دلالت بر این دارد که بیمه‌گذار بایستی در هنگام وقوع عقد نسبت به موضوع بیمه، نفع قابل بیمه داشته باشد؛ چه آنکه در صورت فقدان آن پرداخت حق بیمه از جانب وی بلاجهت بوده و وی نسبت به بقای موضوع بیمه فاقد نفع است. از سوی دیگر قسمت دوم ماده (۴) قانون بیمه-۱۳۱۶- که بیان می‌کند: «... و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن بیمه‌گذار متضرر می‌شود»؛ دلالت بر لزوم وجود نفع قابل بیمه در هنگام وقوع ضرر دارد. چرا که با در نظر گرفتن این نکته که بیمه‌های خسارت برای انتقال ریسک از بیمه‌گذار به بیمه‌گر منعقد می‌شوند؛ مفهوم مخالف قسمت دوم ماده فوق آن است که در صورت عدم تضرر بیمه‌گذار از وقوع حادثه یا ریسک، وی فاقد نفع قابل بیمه است و بنابراین ضروری است که بیمه‌گذار در هنگام وقوع ضرر نیز واجد نفع قابل بیمه باشد. در مطالعه تطبیقی نیز دو رویکرد در این زمینه یافت شده است؛ در یک رویکرد که نمونه آن در جزء (ب) بند (۱) ماده (۳) پیش‌نویس لایحه نفع قابل بیمه بریتانیا آمده است؛ حتی در صورت عدم وجود نفع قابل بیمه در بیمه‌های غیرزندگی در هنگام انعقاد قرارداد، صرف وجود یک انتظار معقول مبنی بر کسب نفع قابل بیمه در طول دوره قرارداد جهت صحت آن کفایت می‌کند. در رویکرد دوم که نمونه آن را در ماده (۴۸) قانون بیمه جمهوری خلق چین -۲۰۰۹- می‌توان یافت؛ صرف وجود نفع قابل بیمه در هنگام وقوع ضرر کفایت کرده و ضرورتی به وجود آن در زمان انعقاد عقد و یا انتظار معقولی مبنی بر حدوث آن در طول دوره قرارداد وجود ندارد. در خصوص بیمه‌های اشخاص نیز، از آنجا که قانون‌گذار در ماده (۲۳) قانون بیمه -۱۳۱۶- رضایت بیمه‌شده را به‌عنوان تنها مبنای احراز نفع قابل بیمه در هنگام انعقاد عقد دانسته است؛ موضوع داشتن نفع قابل بیمه در هنگام وقوع حادثه موضوع بیمه، سالبه به انتفاء موضوع است؛ چه آنکه رضایت صادرشده در هنگام وقوع عقد، تا زمان وقوع حادثه موضوع بیمه نیز استمرار دارد؛ مگر اینکه شخص موضوع بیمه از رضایت خویش عدول کند؛ که در این فرض نیز، مستفاد از ماده (۲۳) آن است که عقد بیمه باطل

می‌شود. در قوانین سایر کشورها نیز چه کشورهای دارای نظام حقوقی کامن لا و چه غیر آن، در خصوص بیمه‌های اشخاص، وجود نفع قابل بیمه صرفاً در زمان انعقاد عقد ضروری دانسته شده است؛ که در این میان می‌توان به بند (۱) ماده (۲) لایحه نفع قابل بیمه بریتانیا -۲۰۱۶- و ماده (۳۱) قانون بیمه جمهوری خلق چین -۲۰۰۹- اشاره کرد.

۳. ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه در قرارداد

از آنجا که نفع قابل بیمه یکی از شرایط اساسی صحت عقد بیمه است و فقدان شرط صحت نیز گاهی باعث بطلان و گاهی موجب عدم نفوذ معامله است (صفایی، ۱۳۸۹)؛ حکم وضعی قرارداد فاقد نفع بیمه نیز از این دو فرض خارج نیست. در خصوص بیمه‌های خسارت، ماده (۴) قانون بیمه -۱۳۱۶- ساکت است؛ لیکن می‌توان حکم موضوع را از ماده (۱۲) قانون بیمه -۱۳۱۶- استنباط کرد. برای روشن شدن بحث لازم است که در خصوص ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه در بیمه‌های خسارت میان دو فرض قائل به تفکیک شویم:

الف) در مواقعی که شخص بیمه‌گذار با وجود علم به عدم وجود نفع قابل بیمه، با انجام اقداماتی خود را نسبت به مال یا اموالی ذی‌نفع نشان می‌دهد؛ برای مثال شخصی با جعل سند مالکیت خانه، اقدام به اخذ بیمه آتش‌سوزی برای خانه‌ای کند (این موضوع علی‌الخصوص در املاکی که فاقد سند رسمی هستند؛ امکان تحقق بیشتری دارد). در این فرض به نظر می‌رسد که حکم ماده (۱۲) قانون بیمه -۱۳۱۶- جاری شود؛ مطابق این ماده: «هرگاه بیمه‌گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذب بنماید و مطالب اظهارنشده یا اظهارات کاذب طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه‌گر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود حتی اگر مراتب مذکوره تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد. در این صورت نه فقط وجوهی که بیمه‌گذار پرداخته است قابل استرداد نیست بلکه بیمه‌گر حق دارد اقساط بیمه را که تا آن تاریخ عقب افتاده است نیز از بیمه‌گذار مطالبه کند.» در مثال مورد اشاره و مثالهای مشابه نیز، بیمه‌گذار به طور عامدانه با اظهارات کاذب موضوع خطر را

تغییر می‌دهد؛ چه آنکه در نزد بیمه‌گر، موضوع خطر، پوشش ریسک آتش‌سوزی خانه بیمه‌گذار (جاعل) است و حال آنکه این خانه متعلق به غیر بوده و بایستی موضوع خطر، پوشش ریسک آتش‌سوزی مالک واقعی خانه باشد.

در خصوص معنای کلمه «باطل» نیز بایستی گفته شود که در اصطلاح حقوقی، بطلان به آن دسته از اعمال حقوقی دلالت می‌کند که دارای اثر و اعتبار قانونی نیستند؛ خواه آن عمل از آغاز غیرقانونی باشد و خواه به علت امری عارضی اعتبار قانونی خود را از دست داده باشد؛ بنابراین این لفظ معنایی عام داشته و هم شامل معاملات «فاسد یا نامشروع» و هم شامل معاملات «باطل - به معنی اخص -» می‌شود که به دلیل فقدان یا ناقص بودن شرایط اساسی صحت معامله فاقد اثر حقوقی است (محقق داماد، ۱۳۹۵). مثال بارز معاملات نامشروع، قمار و گروبندی است. تفاوتی که عقود بیمه مشمول ماده (۱۲) با قمار دارد؛ آن است که در قمار، هر دو طرف معامله دارای جهت نامشروع هستند؛ لیکن در فرض ماده (۱۲) صرفاً بیمه‌گذار دارای جهت نامشروع است و بیمه‌گر جاهل نسبت به قصد وی بوده و حسن‌نیت دارد؛ بنابراین اگرچه عقد بیمه در فرض ماده (۱۲) به دلیل جهت نامشروع بیمه‌گذار، فاسد است لیکن قاعده کلی مذکور در ماده (۳۶۵) قانون مدنی که مقرر می‌کند: «بیع فاسد اثری در تملک ندارد» مجری نخواهد بود؛ چه آنکه در صورت حکومت ماده (۳۶۵)، حق بیمه‌های پرداختی از سوی بیمه‌گذار بایستی به وی مسترد می‌شد و حال آنکه چنین نیست. لیکن با تأمل بیشتر در مواد قانون مدنی مشخص می‌شود که حکم ماده (۱۲) قانون بیمه، قابل توجیه با ماده (۳۹۱) قانون مدنی - ۱۳۰۷- باشد؛ مطابق ماده (۳۹۱): «در صورت مستحق للغير درآمدن کل یا بعض از مبیع، بایع باید ثمن مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، بایع باید از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز برآید.» در ماده (۱۲) نیز نظر به جاهل بودن بیمه‌گر به سوءنیت بیمه‌گذار، علاوه بر آنکه بیمه‌گذار مستحق دریافت حق بیمه‌های پرداختی نیست؛ در صورت مطالبه بیمه‌گر، ملزم به پرداخت اقساط بیمه عقب افتاده تا زمان بطلان نیز است؛ اما با اندکی تأمل درمی‌یابیم

که قیاس بین ماده (۱۲) قانون بیمه با ماده (۳۹۱) قانون مدنی خالی از اشکال نیست؛ چه آنکه مطابق ذیل ماده (۳۹۱) بایع باید از عهده غرامات وارد بر مشتری برآید و نه چیزی بیش از آن؛ و حال آنکه ضمانت اجرای ماده (۱۲)، مبلغی بیش از غرامات وارد بر بیمه‌گر را بر عهده بیمه‌گذار قرار می‌دهد. چرا که حداکثر غرامت وارد بر بیمه‌گر، هزینه‌های اداری است که وی برای صدور بیمه‌نامه متحمل می‌شود و این هزینه‌ها نیز مبلغ قابل توجهی محسوب نمی‌شود. البته از دریچه دیگری نیز می‌توان به حکم ماده (۱۲) قانون بیمه نگریست و آن اینکه قانون‌گذار در این ماده پا از موازین حقوق سنتی فراتر نهاده و ورای خسارت ترمیمی، اقدام به تقنین «خسارت تنبیهی»^۱ در دعاوی عقد بیمه کرده است؛ منتها صرفاً در فرضی که بیمه‌گذار با سوءنیت اقدام به انعقاد قرارداد کرده است. به علاوه تقنین خسارت تنبیهی در قالب ضمانت اجرای ماده (۱۲) قانون بیمه می‌تواند نقش مؤثری در کاهش ریسک مخاطره اخلاقی داشته باشد. البته احتمال قوی آن است که قانون‌گذار ایران بدون توجه به قواعد عمومی قراردادها و مبانی حقوقی ایران، صرفاً اقدام به ترجمه ماده (L113-8) قانون بیمه فرانسه -۲۰۰۴- در ماده (۱۲) قانون بیمه ایران -۱۳۱۶- کرده است؛ چه آنکه عبارات ماده (۱۲) عیناً ترجمه شده ماده (L113-8) قانون بیمه فرانسه -۲۰۰۴- است منتها با این تفاوت که قانون فرانسه، بیمه‌های عمر را از ضمانت اجرای مذکور در ماده فوق مستثنا کرده است.

ب) در صورتی که بیمه‌گذار علم به فقدان نفع بیمه نداشته باشد و گمان کند که نسبت به موضوع بیمه، دارای نفع قابل بیمه است؛ ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه چه می‌شود؟ برای مثال ممکن است شخص (ب) به عنوان فصول ظاهر شده و خانه‌ای را که متعلق به شخص (الف) است؛ مورد معامله فضولی قرار داده و به شخص (ج) که به فضولی بودن معامله جاهل است؛ بفروشد. در این حالت شخص (ج) که خود را

به اشتباه مالک فرض می‌کند؛ اقدام به اخذ بیمه آتش‌سوزی برای خانه خریداری‌شده می‌کند. در اینجا اگرچه بیمه‌گذار، به عدم وجود نفع قابل بیمه جاهل بوده و دارای حسن‌نیت است؛ لیکن از آنجا که از یک سو فلسفه تقنین نفع قابل بیمه، جلوگیری از قماربازی و مخاطره اخلاقی است؛ و از سوی دیگر این موارد نیز مرتبط با نظم عمومی و اخلاق حسنه هستند؛ بایستی مستنبط از ماده (۹۷۵) قانون مدنی، حکم به بطلان قرارداد بیمه داد. لیکن به جهت مشروعیت جهت معامله و حسن‌نیت بیمه‌گذار، حکم ماده (۱۲) قانون بیمه -۱۳۱۶- مجری نخواهد بود و وجوه حق بیمه پرداختی، قابل استرداد است و بیمه‌گر بایستی آن مبالغ را به وی مسترد دارد. در خصوص بیمه‌های اشخاص وضعیت ضمانت اجرا روشن است؛ ماده (۲۳) قانون بیمه -۱۳۱۶- مقرر می‌کند: «...بیمه عمر یا بیمه نقصان یا شکستن عضو شخص دیگری در صورتی که آن شخص قبلاً رضایت خود را کتباً نداده باشد باطل است...» نکته‌ای که در بطن ماده (۲۳) نهفته است؛ آن است که این ماده - همان‌طور که توضیح داده شد- با تعیین معیار رضایت کتبی بیمه‌شده به‌عنوان تنها ضابطه احراز نفع قابل بیمه، به سهولت امکان احراز سوءنیت یا تقصیر طرفین قرارداد اعم از بیمه‌گر یا بیمه‌گذار را فراهم می‌کند؛ خاصه آنکه فرض بر آن است که ادعای جهل به قانون پذیرفته نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۸)؛ بنابراین در صورت صدور بیمه‌نامه‌ای بدون رضایت بیمه‌شده، طرفین تکلیف قانونی خود را که مرتبط با نظم عمومی و اخلاق حسنه بوده؛ رعایت نکرده و یا دارای سوءنیت بوده و یا در انجام وظایف خویش مرتکب تقصیر شده‌اند؛ لیکن از آنجا که هر دو طرف دارای سوءنیت یا تقصیر بوده‌اند؛ حکم ماده (۱۲) در خصوص عدم استرداد حق بیمه‌های پرداختی مجری نخواهد بود و قاعده کلی مذکور در ماده (۳۶۵) قانون مدنی که مقرر می‌کند: «بیع فاسد اثری در تملک ندارد» اجرا شده و حق بیمه‌های پرداختی به بیمه‌گذار مسترد می‌شود. لیکن در فرضی که بیمه‌گذار اقدام به جعل رضایت بیمه‌شده می‌کند و بنابراین صرفاً وی دارای سوءنیت است؛ آیا ضمانت اجرای ماده (۱۲) قابل اعمال است؟ به نظر می‌رسد که باز هم حکم ماده (۱۲)

قابل اجرا نباشد؛ چرا که اگرچه جعل رضایت بیمه‌شده، در زمره اظهارات کاذبه عامدانه است؛ لیکن این اظهارات منجر به تغییر موضوع خطر در نزد بیمه‌گرنمی‌شود؛ بنابراین حتی در فرض جعل رضایت بیمه‌شده نیز، حق‌بیمه‌های پرداختی قابل استرداد است. اطلاق ماده (۲۳) نیز مؤید همین نظر است و این ماده تمایزی میان سوءنیت و حسن‌نیت بیمه‌گذار قائل نشده است.

۴. بررسی کارآمدی دکترین نفع قابل بیمه در جلوگیری یا کاهش ریسک مخاطره اخلاقی

با توجه به دو فلسفه تقنینی دکترین نفع قابل بیمه، پاسخ به این پرسش که آیا این دکترین به طور مطلق قادر به جلوگیری یا کاهش ریسک مخاطره اخلاقی است؛ از اهمیت فراوانی برخوردار است. مثالی که در ذیل خواهد آمد به‌سادگی ناکارآمدی این دکترین را در جلوگیری یا کاهش مخاطره اخلاقی در برخی فروض نشان می‌دهد. فرض کنید آقای (الف) همسر خانم (ب) است؛ آقای (الف) در ابتدای زندگی مشترک از همسرش می‌خواهد که به وی اجازه دهد اقدام به انعقاد بیمه عمر بر روی حیات همسرش کند؛ خانم (ب) نیز از آنجا که به همسر خویش اعتماد داشته و در ابتدای زندگی، رابطه عاشقانه‌ای نیز با هم دارند؛ به وی این اجازه را می‌دهد. در نتیجه آقای (الف) با رعایت مفاد ماده (۲۳) اقدام به انعقاد بیمه عمری می‌کند که موضوع آن حیات همسر خویش است. حال بعد از گذشت چند سال از یک سو آقای (الف) با بدهکاری روبه‌روست و از سوی دیگر پس از، از بین رفتن گرمای ابتدای زندگی، از رابطه زناشویی با همسر خویش نیز رضایت ندارد؛ حال در اینجا ممکن است آقای (الف) با قتل همسر خویش، ضمن دریافت وجه مشخص‌شده بیمه عمر از بیمه‌گر، بدهی‌های خویش را نیز پرداخت کند؛ به عبارت دیگر در این مثال، با وجود آنکه آقای (الف) نفع قابل بیمه دارد؛ لیکن منفعت وی در مرگ همسر خویش است. توضیح آنکه در صورت تحقق مثالهای فوق، ریسک مخاطره اخلاقی در آن دسته از

نظامهای حقوقی‌ای که نفع قابل بیمه را در رابطه زناشویی مفروض می‌پندارند بیشتر است؛ چه آنکه نیازی به اخذ رضایت قبلی بیمه‌شده نیز نیست.

واضح است که در فرض بالا و موارد مشابه، دکترین نفع قابل بیمه، نه تنها ریسک مخاطره اخلاقی را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه باعث افزایش آن نیز می‌شود؛ چرا که نفع قابل بیمه به مثابه پوششی برای مسئولیت کیفری و قصد مجرمانه عمل می‌کند (Loshin, 2007) و می‌تواند باعث گمراهی کارشناسان بیمه شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد که دکترین نفع قابل بیمه در تمام فروض از کارآیی کافی برای کاهش ریسک مخاطره اخلاقی برخوردار نیست و شناسایی مسئولیت مدنی و کیفری نسبت به دکترین نفع قابل بیمه، واجد کارآمدی بالاتری برای کاهش ریسک مخاطره اخلاقی است. ماده (۱۴) قانون بیمه -۱۳۱۶- نیز در جهت مقابله با مخاطره اخلاقی مقرر می‌کند: «بیمه‌گر مسئول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه‌گذار یا نمایندگان او نخواهد بود»؛ مطابق منطوق ماده، از آنجا که تقصیر بیمه‌گذار، باعث بری شدن ذمه بیمه‌گر می‌شود؛ به قیاس اولویت، عمد بیمه‌گذار نیز باعث معافیت بیمه‌گر از مسئولیت می‌شود. به علاوه یادآوری این نکته لازم است که به جهت همین موضوع، برخی نظامهای قانون‌گذاری چون استرالیا و نیوزلند اقدام به لغو دکترین نفع قابل بیمه کرده‌اند و دیگر آن را جزو شرایط اساسی صحت عقد بیمه نمی‌دانند. از یک سو مطابق مواد (۱۶) و (۱۷) قانون قراردادهای بیمه استرالیا -۱۹۸۴-، در بیمه‌های عمومی، ضرورتی به وجود نفع قابل بیمه در هنگام وقوع عقد (ماده (۱۶) و یا هنگام وقوع ضرر ماده (۱۷)) نیست و فقدان نفع قابل بیمه در یکی از مواقع فوق یا هر دوی آنها منجر به بطلان عقد بیمه نمی‌شود؛ و از سوی دیگر مطابق بند (۲) ماده (۱۸) همان قانون، در بیمه‌های عمر، عدم وجود نفع قابل بیمه در هنگام انعقاد قرارداد منجر به بطلان آن نمی‌شود. البته با نظر به لازم‌الاجرا بودن قانون بیمه دریایی استرالیا -۱۹۰۹- بایستی بیمه‌های دریایی را از این موضوع مستثنا کرد و نفع قابل بیمه را در آنها مجری دانست. چه آنکه مطابق بند (۱) ماده (۱۲) قانون بیمه دریایی استرالیا -۱۹۰۹-

بیمه‌گذار بایستی در هنگام وقوع ضرر نسبت به موضوع بیمه واجد نفع قابل بیمه باشد. در نیوزلند نیز وضعیت مشابه استرالیا است؛ به طوری که به موجب بند (۱) ماده (۷) قانون اصلاح قانون بیمه نیوزلند-۱۹۸۵- و اجزای (الف) و (ب) آن، چه بیمه‌های خسارت و چه بیمه‌های زندگی نیازی به داشتن نفع قابل بیمه به جهت صحت ندارند و صرفاً مفاد قانون بیمه دریایی نیوزلند-۱۹۰۸- از این حکم مستثنا شده؛ چه آنکه بند (۱) ماده (۷) قانون بیمه دریایی نیوزلند -۱۹۰۸- در مقررهای مشابه با قانون بیمه دریایی استرالیا مقرر می‌کند که بیمه‌گذار بایستی در هنگام وقوع ضرر نسبت به موضوع بیمه نفع قابل بیمه داشته باشد.

۵. نتیجه‌گیری

این مقاله در گام اول پس از بررسی ضوابط و استانداردهای حاکم بر احراز نفع قابل بیمه بدین نتیجه می‌رسد که در بیمه‌های اشخاص به طور کلی دو معیار برای احراز نفع قابل بیمه وجود دارد یکی معیار احراز نفع قابل بیمه بر اساس رضایت بیمه‌شده و دیگری معیار احراز نفع قابل بیمه بر اساس روابط عاطفی و ضرر اقتصادی. قانون‌گذار ایران در ماده (۲۳) قانون بیمه -۱۳۱۶- اقدام به اتخاذ معیار رضایت بیمه‌شده در احراز نفع قابل بیمه در بیمه‌های اشخاص کرده است. این معیار اگر چه سبب تحمیل هزینه‌های اداری به بیمه‌گذار می‌شود اما نسبت به معیار احراز نفع قابل بیمه بر اساس روابط عاطفی و ضرر اقتصادی، از مطلوبیت اجتماعی بالاتری برخوردار است. دلیل این امر آن است که معیار رضایت بیمه‌شده در مقایسه با معیار روابط عاطفی و ضرر اقتصادی از کارآمدی بیشتری برای کاهش ریسک مخاطره اخلاقی برخوردار است خاصه آنکه امکان عدول شخص بیمه‌شده از رضایت خویش امکان‌پذیر است و به‌علاوه در صورت اعمال معیار رضایت بیمه‌شده، امکان کشف سوءنیت یا تقصیر طرفین - اعم از بیمه‌گذار و بیمه‌گر- با سهولت بیشتری انجام می‌شود. در بیمه‌های خسارت نیز بایستی بین بیمه‌های اموال از بیمه‌های مسئولیت تفکیک قائل شویم. در بیمه‌های اموال با نظر به اجمال ماده (۴) قانون بیمه -۱۳۱۶- بدین نتیجه رسیدیم که

علاوه بر شخص مالک عین، مرتهن، مستأجر، مستعیر، بایع تا قبل از تسلیم مبیع، بایع در بعد از تسلیم مبیع - مشروط به اختصاص یکی از خيارات مجلس، حیوان و شرط به مشتری - و متعهده تعهد عینی، دارای نفع قابل بیمه هستند و در بیمه‌های مسئولیت نیز با نظر به اینکه ذی‌نفع بیمه، بیمه‌گذار یا ذی‌نفع تعیین شده از جانب وی نبوده و در صورت وقوع حادثه موضوع بیمه، شخص زیان‌دیده مستحق دریافت خسارت به میزان وارد شده از بیمه‌گر است و وجهی به بیمه‌گذار پرداخت نمی‌شود؛ می‌توانیم قائل به امکان اسقاط‌پذیری دکترین نفع قابل بیمه در بیمه‌های مسئولیت شویم و حال آنکه در بیمه‌های اشخاص و اموال به جهت ارتباط دکترین نفع قابل بیمه با نظم عمومی، امکان اسقاط‌پذیری آن با توافق طرفین وجود ندارد.

برای پاسخ به پرسش دوم مقاله نیز اقدام به بررسی ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه کردیم. برای پاسخ به این پرسش ابتدا میان بیمه‌های اموال از اشخاص قائل به تفکیک شدیم و حکم ناظر به هر یک را به طور جداگانه بررسی کردیم. در بیمه‌های اموال در صورتی که شخص بیمه‌گذار با علم به عدم ذی‌نفعی خود، با انجام اقداماتی خود را نسبت به مال یا اموالی ذی‌نفع نشان دهد؛ ضمانت اجرای ماده (۱۲) قانون بیمه -۱۳۱۶- اعمال می‌شود و علاوه بر بطلان عقد بیمه، نه تنها وجوهی که شخص بیمه‌گذار تا زمان بطلان قرارداد پرداخته است قابل استرداد نیست بلکه بیمه‌گر حق دارد اقساط بیمه را که تا آن تاریخ عقب افتاده است از بیمه‌گذار مطالبه کند؛ اما در صورتی که شخص بیمه‌گذار دارای حسن‌نیت باشد و علم به فقدان نفع بیمه نداشته باشد و به اشتباه گمان کند که نسبت به موضوع بیمه، دارای نفع قابل بیمه است؛ اگر چه ضمانت اجرای ماده (۱۲) به دلیل فقدان سوءنیت قابل اعمال نیست؛ اما از آنجا که از یک سو فلسفه تقنین نفع قابل بیمه، جلوگیری از قماربازی و مخاطره اخلاقی است؛ و از سوی دیگر این موارد نیز مرتبط با نظم عمومی و اخلاق حسنه هستند؛ بایستی، حکم به بطلان قرارداد بیمه داد. در خصوص کارآمدی دکترین نفع قابل بیمه در جلوگیری و یا کاهش ریسک مخاطره اخلاقی نیز بدین نتیجه رسیدیم که دکترین نفع

قابل بیمه به طور مطلق از کارآمدی کافی برای کاهش ریسک مخاطره اخلاقی برخوردار نیست و شناسایی مسئولیت مدنی و کیفری نقش مؤثرتری را در مقابله با ریسک مخاطره اخلاقی ایفا می‌کند. از همین رو برخی از نظامهای قانون‌گذاری چون استرالیا و نیوزلند اقدام به نسخ این دکترین جز در خصوص بیمه‌های دریایی کرده‌اند.

منابع

۱. صفایی، س.ح.، ۱۳۸۹. دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم: قواعد عمومی قراردادها. تهران: نشر میزان، چاپ یازدهم، ص ۵۹.
۲. صفایی، س.ح. و رحیمی، ح.ا.، ۱۳۹۵. مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد). تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم، ص ۱۲۶.
۳. کاتوزیان، ن.، ۱۳۸۹. دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت. تهران: نشر میزان، چاپ سی و یکم، ص ۱۶.
۴. کاتوزیان، ن.، ۱۳۸۸. مقدمه علم حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتاد و دوم، ص ۱۶۶.
۵. محقق داماد، س.م.، ۱۳۹۵. قواعد فقه: بخش مدنی (۲). تهران: انتشارات سمت، چاپ پانزدهم، ص ۱۴۲.
6. Atmeh, S.M., 2011. Regulation Not Prohibition: The Comparative Case Against the Insurable Interest Doctrine. *Northwestern Journal of International Law & Business*, 32(1), pp. 129-130.
7. Birds, J., 2013. *Birds' Modern Insurance Law*. United Kingdom : Thomson Reuters Publication, Ninth Edition, p. 41
8. Campbell, D., Scott, F. and Martens, C.P., 2000. *International Project Finance*. New York : Transnational Publishers Inc, p.24
9. Loshin, J., 2007. Insurance Law's Hapless Busybody: A Case Against the Insurable Interest Requirement. *The Yale Law Journal*, 117 (3), p.489.
10. Tan, W., 2007. *Principles of Project and Infrastructure Finance*. New York :Taylor & Francis, p.2.

گزارشها

1. Response by the City of London Law Society, Insurance Law Committee, 2008. *Response by the City of London Law Society, Insurance Law Committee, to the English and Scottish Law Commissions' Issues Paper 4 on Insurance Contract Law - Insurable Interest*, para. 8.12 & 8.13
2. The England Law Commission & The Scottish Law Commission, 2008. *Joint Review of Insurance Contract Law, Issues Paper 4, Insurable interest*, para.7.75
3. The England Law Commission & The Scottish Law Commission, 2015. *Joint Review of Insurance Contract Law, Issues Paper 10, Insurable interest: updated proposals*, para.1.8

قانونها

1. England, Wales & Scotland Marine Insurance Act, 1906. s. (14).(1)
2. New Zealand Marine Insurance Act, 1908.s. (7).(1)
3. Australia Marine Insurance Act, 1909.s. (12).(1)
4. California Insurance Code, 1935.ss. (282).(1), (282).(3) & (283)
5. Australia Insurance Contracts Act, 1984.ss. (16), (17) & (18)
6. New Zealand Insurance Law Reform Act, 1985.s. (7).(1)
7. France Insurance Code, 2004.Art.(L113-8)
8. Insurance Law of the People's Republic of China, 2009.Art.(31) & (48)
9. England, Wales & Scotland Insurable Interest Bill , 2016.ss.(2).(1), (2).(2), (3).(1).(b), (3).(2) & (3).(3).(b)